

بررسی روحیه کارآفرینی دانشجویان کشاورزی و شیوه‌های بهبود آموزش کارآفرینی

رضا موحدی*

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

احمد یعقوبی‌فرانی

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

مجیدرضا خداوردیان

دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

شیما زارعی

دانش‌آموخته لیسانس ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی روحیه و آموزش‌های کارآفرینی در بین دانشجویان رشته‌های کشاورزی دانشگاه بوعلی سینای همدان و در چارچوب کلی پژوهش‌های پیمایشی به انجام رسیده است. نمونه آماری این تحقیق را تعداد ۱۶۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر رشته‌های کشاورزی دو مقطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی‌ارشد دانشگاه بوعلی سینا تشکیل دادند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از ابزار پرسشنامه و برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ به منظور تشخیص پایایی پرسشنامه برابر با ۰/۷۹ محاسبه گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از دو روش آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شد. نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که بین جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، و گرایش تحصیلی دانشجویان کشاورزی و میزان روحیه کارآفرینی آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد و تنها بین اشتغال دانشجویان و روحیه کارآفرینی آنان ارتباط معنی‌دار وجود دارد. بدین مفهوم که دانشجویانی که به غیر از تحصیل به کار دیگری اشتغال دارند دارای روحیه کارآفرینی بالاتری هستند.

واژه‌های کلیدی: روحیه کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، دانشگاه بوعلی سینا، دانشجویان کشاورزی.

مقدمه

توسعه کشاورزی تنها با تزریق سرمایه و فن‌آوری به بخش کشاورزی تحقق نمی‌یابد، بلکه این کار فرآیند چندبعدی است که عوامل بسیاری در آن نقش دارند. در این میان تاثیر سرمایه‌گذاری در جهت بهسازی و تقویت نیروی انسانی در توسعه کشاورزی امری غیرقابل‌انکار است. یک نوع سرمایه‌گذاری که امروزه به عقیده برخی از صاحب‌نظران از رویکردهای اجتناب‌ناپذیر برای بخش دولتی و غیردولتی محسوب می‌شود، تقویت و توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی می‌باشد (گلیچ، ۱۳۸۴). در همین ارتباط، اسمیت توجه به توسعه کارآفرینی را به‌عنوان یکی از ضرورت‌ها و الزامات برنامه‌های توسعه کشاورزی به‌حساب می‌آورد (Smith, 2004).

از طرف دیگر مطالعات مختلف موید آن است که ویژگی‌های کارآفرینانه اغلب اکتسابی است، نه ارثی. از این رو، مقوله آموزش کارآفرینی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات و مباحث روز جهان مورد توجه موسسات و نهادهای آموزشی و به‌ویژه دانشگاه‌ها قرار گرفته است. هرچند دانشگاه‌ها قابلیت‌ها و پتانسیل‌های زیادی در توسعه و تقویت کارآفرینی دارا هستند، ولی متأسفانه ساختارهای موجود در دانشگاه‌های کشور با هدف آموزش تخصصی دانشجویان شکل گرفته و کمتر به تقویت کارآفرینی در دانشجویان توجه می‌شود (سوری، ۱۳۸۷).

کارآفرینی که ترجمه‌ای از کلمه Entrepreneurship است، مفهومی است که تاکنون از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و همه بر این باورند که کارآفرینی موتور محرکه توسعه اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است. سه دلیل مهم کشورها برای توجه به مقوله کارآفرینی، تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد است (مفاخری، ۱۳۸۶). اما متأسفانه در کشور ما واژه کارآفرینی بیشتر به معنی ایجاد کار و یا اشتغال‌زایی در نظر گرفته می‌شود. درحالی‌که کارآفرینی دارای مفهومی وسیع‌تر و با ارزش‌تر از اشتغال‌زایی است. کارآفرینی دارای پیامدهای مثبت و مهم دیگری همانند بارور شدن خلاقیت‌ها، ترغیب به نوآوری و توسعه آن، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد و توسعه فن‌آوری، تولید ثروت در جامعه و افزایش رفاه عمومی است. در صورتی‌که فقط به جنبه اشتغال‌زایی آن توجه شود، از سایر پیامدهای آن بی‌بهره خواهیم ماند (رزاقی، ۱۳۸۷).

تجربه موفقیت‌آمیز اغلب کشورهای پیشرفته و نیز برخی از کشورهای در حال توسعه در عبور از بحران‌های اقتصادی به‌واسطه توسعه کارآفرینی در آن کشورها، موجب گردیده تا سایر کشورها نیز برای کارآفرینی، کارآفرینان و شکل‌گیری کسب و کارهای نوآورانه اهمیت خاصی قایل گردند (حسینی، ۱۳۸۸). بررسی ویژگی‌های افراد کارآفرین نشان می‌دهد که این افراد دارای یکسری خصلت‌های هستند که شناسایی این خصلت‌ها فراهم‌کننده زمینه لازم در تقویت و توسعه کارآفرینی بین سایر افراد جامعه خواهد بود. برخی از این خصلت‌ها عبارتند از: تحمل ریسک (شاهرکنی، ۱۳۸۴)، فرصت‌گرا بودن، از خود گذشتگی، میل به پیشرفت و توفیق‌طلبی (شریف‌زاده و زمانی، ۱۳۸۵)، هدف‌گرا بودن (شاهرکنی، ۱۳۸۴)، خوش‌بینی، آینده‌نگر

بودن (مفاخری، ۱۳۸۶)، رقابت‌مندی، قدرت تحمل (شریف‌زاده و زمانی، ۱۳۸۵)، کنترل محیط بیرون، انگیزش، مصمم بودن، اعتماد به نفس داشتن، نتیجه‌گرا بودن، خلاقیت و نوآوری، قدرت‌طلبی، و استقلال‌طلبی (مفاخری، ۱۳۸۶).

با نگاهی به روند رو به رشد و توسعه جهانی در می‌یابیم که با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته، نقش و جایگاه کارآفرینان به‌طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود. به بیان دیگر ارتباط مستقیمی بین پیشرفت فناوری و ضرورت آموزش کارآفرینان وجود دارد (اکبری، ۱۳۸۷).

آموزش کارآفرینی سیاستی است که به‌طور مستقیم در کمیت و کیفیت کارآفرینی در یک جامعه اثر می‌گذارد. با اجرای این سیاست همواره می‌توان به اهداف گوناگونی مانند شناخت فرصت‌ها و چگونگی بهره‌برداری از آنها، آشنایی با فن‌آوری و دانش فنی جدید و چگونگی به‌کارگیری آن‌ها در علوم مختلف جامعه عمل پوشید. بررسی‌های محققین منتج به پیش‌بینی و طراحی دوره‌های آموزش کارآفرینی شده است که هدف آن‌ها تربیت افرادی با اعتماد به نفس بالا، فرصت‌شناس و به‌طور کلی افرادی که تمایل بیشتری به راه‌اندازی کسب و کارهای مستقل دارند، می‌باشند (مفاخری، ۱۳۸۶).

در دو دهه گذشته ضرورت کارآفرینی و توسعه آن (به‌ویژه آموزش کارآفرینی) بیش از پیش مشهود گردیده و این امر موجب افزایش تلاش‌ها برای توسعه کارآفرینی و آموزش آن شده است (مفاخری، ۱۳۸۶). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل مؤثر در حرکت کارآفرینی و از قوه به فعل درآوردن آن، بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش می‌باشد (دهقان، ۱۳۸۸). پرورش روحیه کارآفرینی در افراد غیرکارآفرین از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. از این رو فعالیت‌های آموزشی برای تربیت کارآفرینان در دستور کار بسیاری از مراکز آموزش کارآفرینی قرار گرفته، چرا که لازمه توسعه کارآفرینی، آموزش آن است (مقدسی، ۱۳۸۶).

با توجه به افزایش رشته‌های دانشگاهی مرتبط با کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته اهمیت نظام آموزشی و پژوهشی در توسعه کارآفرینی و تربیت کارآفرینان بیشتر مشخص می‌شود. امروزه دوره‌های کارآفرینی نه تنها جای خود را در طرح دروس دانشگاهی در رشته‌های مختلف باز کرده است، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان نیز در کشورهای پیشرفته مورد توجه قرار گرفته است (اکبری، ۱۳۸۷). به‌طور کلی با نگاهی به روند تاریخی پیشرفت کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته، به ضرورت آموزش کارآمد به‌منظور تربیت نیروی انسانی کارآفرین و در نتیجه بروز خلاقیت و پویایی در بستر کشاورزی پی خواهیم برد (نجفی و شاه‌مراد، ۱۳۸۸).

تحولات صورت گرفته در بخش کشاورزی، افزایش نرخ بیکاری در این بخش و نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی از عوامل بسیار مهمی هستند که لزوم توجه به توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی ایران را روز به روز بیشتر می‌کنند (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۵). آموزش کارآفرینی در عرصه کشاورزی راه‌حل مطلوبی برای حل مشکلات اشتغال و بهره‌وری است. در این زمینه افراد بسیاری در نقاط جغرافیایی متعدد

باید آموزش ببینند. برای انجام این کار استفاده از اینترنت، آموزش مجازی و آموزش‌های از راه دور توسط موسسات و مراکز مرتبط با کارآفرینی، اقدام موثر و مفیدی خواهند بود (مقدسی، ۱۳۸۶). سولمون و همکارانش سه روش آموزشی عمده برای اجرای برنامه‌های آموزش کارآفرینی معرفی نموده‌اند که عبارتند از: تهیه طرح کسب و کار کارآفرینانه، مطالعات موردی و آرایه سخنرانی (Solomon et al., 2002). همچنین لی و وونگ با بررسی رهیافت‌های آموزش و ترویج کارآفرینی، رهیافت یادگیری^۱ را به‌عنوان رهیافتی مؤثر برای ترویج روحیه کارآفرینی در بین افراد معرفی نموده و معتقدند این رهیافت نیازمند تأکید بر فرایند «یادگیری» به جای «آموزش» از طریق اجرای برنامه‌های مشارکتی فعال در شرایط زندگی واقعی و محیط‌های کارآفرینانه با حضور افراد دارای تجربه و تخصص می‌باشد (Lee & Wong, 2005).

از راه‌حل‌های عمده جهت بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی نیز توسعه آموزش‌های کارآفرینی در برنامه‌های درسی، و مهم‌تر از آن تقویت روحیه کارآفرینی دانشجویان جهت راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار در زمینه‌های مرتبط با کشاورزی است (لیث و همکاران، ۱۳۸۸).

در زمینه کارآفرینی و بررسی روحیه کارآفرینی در اقشار متفاوت، مطالعات متعددی صورت پذیرفته است. هوارد در سال ۲۰۰۴ در پژوهشی تأثیر توسعه قابلیت‌های کارآفرینی (استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی و اعتماد به نفس، جسارت و خلاقیت) را بر کارآفرینی ۴۵۰ نفر از دانش‌آموزان مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که رابطه مستقیمی بین این قابلیت‌ها و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد (Howard, 2004).

در پژوهشی دیگر پوستیگو در سال ۲۰۰۲ با بررسی و ارزیابی وضعیت موجود آموزش کارآفرینی دانشجویان در کشور آرژانتین بیان کرد که از نظر دانشجویان مهم‌ترین دوره‌ها برای آموزش کارآفرینی دوره‌های آموزش خلاقیت و نوآوری است (Postingo, 2002). شاین در سال ۱۹۹۴ نیز در تحقیقی این چنین عنوان کرد که کارآفرینان واقعی مشاغل جدید را بیشتر به دلایل نوآوری و خلاقیت شروع می‌کنند تا انگیزه‌های اقتصادی (Schein, 1994).

برومندنسب در سال ۱۳۸۱ به بررسی رابطه انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و عزت‌نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز پرداخته است. پژوهش وی نشان داد که بین انگیزه پیشرفت و خلاقیت با کارآفرینی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد (برومندنسب، ۱۳۸۱).

یارایی در سال ۱۳۸۳ در مطالعه‌ای دیگر با بررسی برخی روحیات کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شیراز و مقایسه آن با مدیران صنایع به این نتیجه رسید که مدیران از انگیزه پیشرفت بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردارند و ریسک‌پذیری دانشجویان از مدیران صنایع بالاتر بوده است. همچنین بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان با جنسیت، سن، محل تولد و سطح تحصیلات والدین رابطه معنی‌داری وجود ندارد (یارایی، ۱۳۸۳).

¹ Learning Approach

هزارجریبی در سال ۱۳۸۲ در پژوهشی دیگر نشان داد که بین کارآفرینی و دوره‌های آموزش مهارت‌های فردی، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری، نیاز به موفقیت و خلاقیت رابطه معنی‌داری وجود دارد (هزارجریبی، ۱۳۸۲). در پژوهشی دیگر حول بررسی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی در نظام آموزش‌های علمی-کاربردی کشاورزی از نظر دانشجویان این نتیجه حاصل شد که مهارت‌های فردی، عوامل عرضه‌کننده کارآفرینی، مهارت‌های کارآفرینی و اثرات اقتصادی و اجتماعی کارآفرینی توانایی تبیین توسعه کارآفرینی را دارا می‌باشد (لیث و همکاران، ۱۳۸۸).

عادل‌ساردویی و همکاران در سال ۱۳۸۸ در پژوهشی دیگر با مقایسه قابلیت‌ها و روحیه کارآفرینی مقاطع مختلف تحصیلی دانشجویان کشاورزی در دانشگاه تبریز، به این نتیجه رسیدند که روحیه کارآفرینی دانشجویان مقطع کارشناسی بالاتر از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد می‌باشد و از قابلیت‌های کارآفرینی نیز خلاقیت، ریسک‌پذیری، نیاز به توفیق و استقلال‌طلبی نیز در بین دانشجویان مقطع کارشناسی میانگین بالاتری نسبت به مقطع کارشناسی ارشد دارد. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین روحیه کارآفرینی دانشجویان رشته‌های مختلف وجود ندارد و تنها قابلیت خلاقیت دانشجویان از رابطه قوی‌تری با روحیه کارآفرینی دانشجویان برخوردار است (عادل‌ساردویی و همکاران، ۱۳۸۸).

شریف‌زاده و زمانی در سال ۱۳۸۵ طی پژوهشی روحیه کارآفرینی را به صورت موردی در دانشگاه شیراز مورد بررسی قرار دادند که در این پژوهش به بررسی چهار خصیصه مطرح در ادبیات کارآفرینی (توفیق‌طلبی، قدرت‌طلبی، رقابت‌مندی و ریسک‌پذیری) در بین دانشجویان همت گماشتند. یافته‌های این مطالعه نشان داد، دانشجویان از نظر چهار خصیصه مورد مطالعه در وضعیت نامطلوبی قرار دارند (شریف‌زاده و زمانی، ۱۳۸۵).

در پژوهشی که اسکندری و همکاران در سال ۱۳۸۵، به بررسی عوامل اثرگذار بر عملکرد کارآفرینانه دانش‌آموختگان کشاورزی پرداختند، به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه پاسخگویان، محیط پیرامون کسب‌وکار حامی رفتار کارآفرینانه نبوده، بلکه مانع رشد و توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی به حساب آمده است. درحالی‌که آموزش نقش مثبت و معنی‌داری بر عملکرد کارآفرینانه دارد. پاسخگویان اظهار داشتند که آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی تنها در کسب مهارت‌های تخصصی تأثیر داشته و نقش چندانی در کسب سایر مهارت‌های مورد نیاز (مهارت‌های کسب‌وکار و کارآفرینانه) کارآفرینان دانش‌آموخته کشاورزی و منابع طبیعی ایران نداشته است (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۵).

در زمینه آموزش کارآفرینی نیز تحقیقات انجام گرفته موید تأثیر آن بر افزایش بهره‌وری منابع انسانی آموزش دیده می‌باشد. به طوری‌که نوروززاده و محرابی‌یگانه در سال ۱۳۸۵ در پژوهش خود توسعه کارآفرینی در مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی کشاورزی را یکی از روش‌های کارآمد در افزایش بهره‌وری منابع انسانی در بخش کشاورزی دانسته‌اند (نوروززاده و محرابی‌یگانه، ۱۳۸۵). یداللهی فارسی در سال ۱۳۸۵ با بررسی نقش مراکز کارآفرینی جهت انجام فعالیت‌های کارآفرینانه در میان دانشجویان رشته‌های مختلف پی

برد که توجه به خلاقیت و نوآوری، الگوبرداری، و روحیه تحقیق و توسعه در جامعه به گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه کمک می‌کند (یداللهی فارسی، ۱۳۸۵).

بر اساس نتایج تحقیق حسینی و همکاران در سال ۱۳۸۸ تأثیرگذارترین عامل در کارآفرینی دانشجویان در نظام آموزش عالی کشاورزی را روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه‌ها عنوان نموده است. همچنین در این تحقیق، بر شش عامل آموزش‌های فوق‌برنامه مرتبط با مهارت‌های شغلی، روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه، محتوای مناسب دروس دانشگاهی، توان و مهارت عملی در زمینه موضوع درسی، برنامه‌ریزی منطبق با شرایط و علایق دانشجویان، و فضای مناسب رقابتی در دانشگاه به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی تأکید شده است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸).

جونز و انگلیش در سال ۲۰۰۵ طی مطالعه خود اظهار داشتند که با آموزش کارآفرینی می‌توان اعتماد به نفس و دانش و مهارت دانشجویان را افزایش و آن‌ها را برای راه‌اندازی کسب و کار توانمند ساخت (Jones & English, 2005). گالوی و همکاران در سال ۲۰۰۵ نیز دریافتند که آموزش کارآفرینی در افزایش مهارت‌های دانشجویان در خلاقیت، اعتماد به نفس و نیز مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی تاثیر دارد (Gallowy et al., 2005).

زالی و رضوی در سال ۱۳۸۸ در تحقیق خود به بررسی عناوین درسی کارآفرینی در ۲۸۸ دانشگاه قاره آمریکا و اروپا پرداخته‌اند. طبق نتایج حاصله همه دانشگاه‌های آمریکایی مورد بررسی در سرفصل‌های درسی، مباحث «کارآفرینی، راه‌اندازی کسب‌وکار» مربوط به آغاز فعالیت کسب‌وکار را گنجانده‌اند (زالی و رضوی، ۱۳۸۸). هانینگ در سال ۲۰۰۴ دریافت که از میان ۱۰۰ دانشگاه مطرح در آمریکا ۷۸ مورد آن‌ها برنامه‌های اقتصادی و تجاری را به‌عنوان مهم‌ترین نوع برنامه‌های درسی در حوزه کارآفرینی مد نظر قرار داده بوده‌اند (Honing, 2004).

حیدری‌زاده در سال ۱۳۸۲ در تحقیق خود ارایه شدن دروس به صورت نظری و ناهماهنگی بین نیاز بازار کار و مراکز آموزشی را از جمله مشکلات توسعه کارآفرینی در مراکز آموزش عالی می‌داند (حیدری‌زاده، ۱۳۸۲).

گرچه در حال حاضر کارآفرینی به‌عنوان یک درس در برنامه‌های درسی رشته‌های کشاورزی تدریس نمی‌گردد، ولی لزوم گنجاندن آن به‌عنوان یک واحد درسی در رشته‌های کشاورزی مورد تاکید بسیاری از محققان و صاحب‌نظران است. به طوری که Movahedi در سال ۲۰۰۹ در تحقیق خود پی برد گرچه درس کارآفرینی برای دانشجویان رشته ترویج و آموزش کشاورزی تدریس نمی‌گردد، ولی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان این رشته برای آماده شدن جهت ورود به بازار کار شناسایی گردیده است.

بنابراین پیشنهاد می‌کند لازم است درس کارآفرینی در کلیه مقاطع تحصیلی دانشجویان کشاورزی اضافه گردیده تا روحیات و رفتارهای کارآفرینی در آن‌ها تقویت گردد (Movahedi, 2009). در این خصوص

ثوریک و همکاران در سال ۲۰۰۸ معتقدند فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویان نقش مثبت موثری در کاهش نرخ بیکاری آن‌ها دارد (Thurik et al., 2008). به اعتقاد رون در سال ۲۰۰۶ دانش و مهارت‌های کارآفرینی را می‌توان از طریق برنامه‌های درسی دانشگاهی و با تزریق مفاهیم و مباحث کارآفرینی در دوره آموزش متوسطه فرا گرفت (Ron, 2006). به‌عنوان مثال در کشورهای اسکاندیناوی آموزش کارآفرینی در نظام آموزشی این کشورها در کلیه سطوح آموزشی تدریس می‌گردد. همچنین بر اساس خط‌مشی‌های جدید اتحادیه اروپا کارآفرینی در نظام‌های آموزشی ملی کشورهای عضو این اتحادیه به‌عنوان یک واحد درسی و یا به‌عنوان مباحث مجزا از دبستان تا دانشگاه در نظر گرفته شده است (Karanassios et al., 2006).

تحقیق حاضر با هدف بررسی روحیه کارآفرینی دانشجویان رشته‌های کشاورزی و آموزش کارآفرینی بین آن‌ها صورت گرفته تا بتواند راهکارهایی جهت جلوگیری از هدررفت سرمایه، نیرو و امکانات آموزشی دانشجویان ارائه دهد.

در این راستا تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به سئوالات زیر است: روحیه کارآفرینی دانشجویان کشاورزی در چه حد است؟ عوامل مهم موثر بر بهبود آموزش‌های کارآفرینی از نگاه دانشجویان کدامند؟ نقش دانشگاه و آموزش‌های آن در تقویت روحیه کارآفرینی دانشجویان کشاورزی چیست؟

اهداف تحقیق

تحقیق حاضر با هدف بررسی روحیه کارآفرینی دانشجویان رشته‌های کشاورزی و آموزش کارآفرینی بین آن‌ها صورت گرفته است. اهداف اختصاصی تحقیق نیز عبارتند از:

۱. سنجش میزان روحیه کارآفرینی دانشجویان کشاورزی بر حسب خصلت‌های کارآفرینانه؛
۲. شناسایی برخی عوامل موثر بر بهبود آموزش‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها از نگاه دانشجویان؛
۳. بررسی رابطه بین متغیرهای فردی و روحیه کارآفرینی؛
۴. اولویت‌بندی روش‌های بهبود آموزش کارآفرینی.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است که با استفاده از روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق ۶۵۸ دانشجوی کارشناسی و ۲۶۴ دانشجوی کارشناسی‌ارشد که در سال تحصیلی ۱۳۸۸ در هشت گرایش مختلف کشاورزی مشغول به تحصیل بوده‌اند، شامل شد. برای انتخاب نمونه‌های تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

پس از انجام آزمون مقدماتی با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه برای دانشجویان کارشناسی ۱۲۰ نفر و برای دانشجویان کارشناسی‌ارشد، ۴۰ نفر تعیین گردید که جمعاً ۱۶۰ نفر بدین منظور در نظر گرفته

شد. همچنین متناسب با مقطع و گرایش تحصیلی جامعه آماری از هر گرایش تحصیلی در مقطع تحصیلی کارشناسی، ۲۰ نفر و در مقطع ارشد از هر گرایش ۵ نفر به شیوه تصادفی انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای با سئوالات بسته، اغلب از نوع مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت بود که از چهار قسمت تشکیل می‌شد. قسمت اول شامل سئوالات مربوط به ویژگی‌های فردی پاسخگو از قبیل جنس، سن، محل تولد و... می‌باشد. در قسمت دوم به منظور بررسی روحیه کارآفرینی پاسخگویان ۳۰ سؤال در زمینه خصلت‌های کارآفرینی مطرح شد. قسمت سوم شامل ۱۵ سؤال در رابطه با نحوه آموزش‌های کارآفرینی و شیوه‌های بهبود آن بود. روایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش روایی محتوا توسط اساتید گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا مورد بررسی، و اصلاحات لازم انجام شد. پایایی یا قابلیت اعتماد ابزار تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون کرونباخ‌آلفا مورد آزمایش قرار گرفت و ضریب پایایی ($\alpha = 0/79$) آن محاسبه گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از دو روش آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شد.

در بخش توصیفی، برای ارایه اطلاعات حاصل از دسته‌بندی گروه‌های آزمودنی از نظر صفات مختلف و توصیف ویژگی‌های جامعه آماری، از آماره‌هایی نظیر میانگین، درصد، فراوانی، انحراف معیار و میانگین رتبه‌ای استفاده شد. در بخش تحلیلی به منظور تعیین روابط بین متغیرها از ضرایب همبستگی اسپیرمن، پیرسون و کندال، و به منظور مقایسه بین میانگین نظرات پاسخگویان از آزمون من‌وایت‌نی استفاده شد.

یافته‌ها

اطلاعات به دست آمده حاکی از آن است که از ۱۶۰ نفر از تعداد کل نمونه، ۴۹/۴ درصد زن و ۵۰/۶ درصد مرد هستند. سن دانشجویان پاسخگو بین ۲۰ تا ۲۷ سال متغیر است و میانگین سن ۲۲/۹۹ است. اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد، محل سکونت ۱۲/۸ درصد از پاسخ‌دهندگان، روستا و ۸۷/۲ درصد، شهر ذکر شده است.

بنابراین تعداد دانشجویان ساکن شهر خیلی بیشتر است. از ۱۲۰ پاسخ‌دهنده مورد بررسی ۱۲۰ نفر (۷۵ درصد) دانشجوی مقطع کارشناسی و ۴۰ نفر (۲۵ درصد) دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد هستند. ۱۴۰ نفر از دانشجویان (۸۸/۶ درصد) به غیر از تحصیل به شغل دیگری اشتغال نداشتند و تنها ۱۱/۴ درصد به غیر از تحصیل شغل دیگری داشتند. سایر اطلاعات در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب ویژگی‌های فردی

متغیر	گویه	فراوانی	درصد معتبر
جنسیت	زن	۷۹	۴۹/۴
	مرد	۸۱	۵۰/۶
	جمع	۱۶۰	۱۰۰
سن	۲۰-۲۲	۶۶	۴۱/۹
	۲۳-۲۵	۷۴	۴۵/۶
	۲۶-۲۷	۱۳	۸/۱
	بدون پاسخ	۷	۴/۴
	جمع	۱۶۰	۱۰۰
محل سکونت	روستا	۲۲	۱۳/۷
	شهر	۱۳۶	۸۵
	بدون پاسخ	۲	۱/۳
	جمع	۱۶۰	۱۰۰
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۱۲۰	۷۵
	کارشناسی ارشد	۴۰	۲۵
	جمع	۱۶۰	۱۰۰
وضعیت اشتغال	بی‌کار	۱۴۰	۸۷/۴
	شاغل	۱۸	۱۱/۳
	بدون پاسخ	۲	۱/۳
	جمع	۱۶۰	۱۰۰

سنجش روحیه کارآفرینی و اولویت‌بندی گویه‌های مربوطه

برای سنجش روحیه کارآفرینی از دانشجویان مورد مطالعه خواسته شد تا احساس خود را در مورد ۳۰ خصیصه مرتبط با روحیه کارآفرینی در مقیاس رتبه‌ای (از خیلی زیاد تا خیلی کم) بیان کنند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، برای کم‌ترین امتیاز، یک و بیشترین امتیاز پنج در نظر گرفته شد، و با تقسیم فاصله به سه قسمت مساوی میانگین‌های بین ۱ تا ۲/۳۳ به عنوان روحیه ضعیف، بین ۲/۳۴ تا ۳/۶۶، روحیه متوسط و بین ۳/۶۷ تا ۵ روحیه بالا یا مطلوب در نظر گرفته شد.

به این طریق وضعیت هر گویه با استفاده از میانگین، مشخص شده و در نهایت نیز با محاسبه میانگین کلی گویه‌ها عدد ۳/۶۶ به دست آمد که نشان‌دهنده روحیه بالا و مطلوب کارآفرینی بین دانشجویان مورد مطالعه در دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا می‌باشد.

در جدول شماره ۲ وضعیت هر یک از گویه‌های مربوط به روحیه کارآفرینی بر اساس میانگین، مورد اولویت‌بندی قرار گرفته است.

جدول ۲- اولویت‌بندی خصلت‌های مربوط به روحیه کارآفرینی

اولویت	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای*	متغیر
۱	۰/۸۰۲	۴/۰۹	نیاز به موفقیت
۲	۰/۹۳۳	۴/۰۹	امید به موفقیت
۳	۱/۰۳۴	۳/۹۲	شور و اشتیاق
۴	۰/۷۹۲	۳/۸۹	واقع‌بینی
۵	۰/۸۷۶	۳/۸۹	استقلال‌طلبی
۶	۰/۹۰۵	۳/۸۷	روحیه تعاون و همکاری
۷	۰/۸۶۸	۳/۸۶	اهل عمل بودن
۸	۰/۸۵۶	۳/۸۲	آرمان‌گرایی
۹	۰/۸۵۸	۳/۸۱	اصرار بر حل مشکلات
۱۰	۰/۹۳۹	۳/۷۹	دوراندیشی و آینده‌نگری
۱۱	۰/۸۸۴	۳/۷۵	توانایی رهبری گروه
۱۲	۰/۸۸۴	۳/۷۵	انعطاف‌پذیری
۱۳	۰/۹۵۳	۳/۷۲	دید مثبت و خوش‌بینی
۱۴	۰/۷۳۱	۳/۶۴	فرصت‌گرایی
۱۵	۰/۹۳۵	۳/۶۴	اعتماد به نفس
۱۶	۰/۹۳۱	۳/۶۴	هدف‌مندی
۱۷	۰/۸۷۶	۳/۶۱	پیش‌قدم بودن
۱۸	۱/۰۰۸	۳/۶۱	سودگرایی
۱۹	۰/۹۳۴	۳/۵۹	توانایی نفوذ بر دیگران
۲۰	۰/۹۰۹	۳/۵۸	روحیه انتقادپذیری
۲۱	۱/۰۰۷	۳/۵۶	سخت‌کوشی و پشتکار
۲۲	۱/۰۲۶	۳/۵۶	توانایی فعالیت در بازار
۲۳	۱/۰۰۲	۳/۵۶	خودمحوری
۲۴	۰/۹۶۷	۳/۵۰	خطرپذیری و قدرت ریسک
۲۵	۱/۰۸۲	۳/۴۹	قدرت‌طلبی
۲۶	۱/۰۱۱	۳/۴۶	مهارت‌های ارتباطی پویا
۲۷	۰/۹۸۵	۳/۴۵	توانایی تصمیم‌گیری سریع
۲۸	۴/۹۲۴	۳/۴۱	نوآوری، خلاقیت، ایده‌سازی
۲۹	۱/۰۱۸۰	۳/۲۷	استفاده بهینه از زمان
۳۰	۱/۱۱۳	۳/۱۶	تحمل شکست
-	۱/۸۱	۳/۶۶	میانگین کل

* طیف لیکرت: خیلی کم = ۱ کم = ۲ تا حدودی = ۳ زیاد = ۴ خیلی زیاد = ۵

بررسی رابطه بین متغیرهای فردی و روحیه کارآفرینی

به منظور بررسی رابطه بین برخی متغیرهای فردی با متغیر وابسته یعنی روحیه کارآفرینی دانشجویان به تناسب و بر حسب نوع متغیر از ضرایب همبستگی استفاده گردید. نتایج رابطه بین متغیرها در جدول شماره

۳ آورده شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود بین متغیرهای فردی شامل جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، گرایش تحصیلی، و معدل دانشجویان با روحیه کارآفرینی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که داشتن روحیه کارآفرینی به جنسیت، سن، مقطع و گرایش تحصیلی و معدل دانشگاهی دانشجویان مورد مطالعه بستگی ندارد و تنها بین وضعیت اشتغال دانشجویان با روحیه کارآفرینی آن‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری دیده می‌شود.

جدول ۳- ضرایب همبستگی و سطح معنی‌دار بودن آن‌ها در آزمون فرضیات

متغیر مستقل	نوع متغیر	متغیر وابسته	نوع متغیر	آزمون	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
جنس	اسمی	روحیه کارآفرینی	رتبه‌ای	اسپیرمن	۰/۰۴۵	۰/۵۸۹
سن	فاصله‌ای	روحیه کارآفرینی	رتبه‌ای	پیرسون	۰/۱۰۱	۰/۲۳۱
مقطع تحصیلی	اسمی	روحیه کارآفرینی	رتبه‌ای	اسپیرمن	۰/۰۹۱	۰/۱۴۰
گرایش تحصیلی	اسمی	روحیه کارآفرینی	رتبه‌ای	کندال	-۰/۱۸	۰/۷۹۲
اشتغال	اسمی	روحیه کارآفرینی	رتبه‌ای	اسپیرمن	۰/۱۷۰	۰/۰۴۰*
معدل	فاصله‌ای	روحیه کارآفرینی	رتبه‌ای	پیرسون	۰/۰۷۲	۰/۴۰۸

**P ≤ ۰/۰۱ * P ≤ ۰/۰۵

نتایج مربوط به آموزش‌های کارآفرینی

طبق نتایج به‌دست آمده، ۷۱/۳ درصد از دانشجویان مورد مطالعه در دوره‌های کارآفرینی تاکنون شرکت نکرده‌اند و تنها ۲۸/۸ درصد از پاسخگویان در دوره‌های کارآفرینی شرکت نموده‌اند. از بین پاسخگویان ۷۸/۱ درصد تمایل به شرکت در دوره‌های کارآفرینی داشته‌اند، این امر ضرورت و لزوم برگزاری دوره‌های کارآفرینی برای دانشجویان را توجیه می‌کند.

بیشترین درصد دانشجویان (۳۸ درصد) نحوه انجام آموزش‌های کارآفرینی را از طریق مراکز فنی و حرفه‌ای پیشنهاد کرده‌اند، در حالی که کمتر از ۱۰ درصد از پاسخگویان معتقد به انجام آموزش‌های کارآفرینی از طریق رسانه‌های جمعی بوده‌اند.

از نظر نوع آموزش‌های پیشنهادی برای دوره‌های کارآفرینی بیش از ۷۰ درصد دانشجویان آموزش‌های حضوری را ترجیح داده‌اند، در صورتی که تنها ۷/۵ درصد علاقه‌مند به آموزش از طریق غیرحضوری و اینترنت بوده‌اند.

به نظر می‌رسد با توجه به کاربرد اینترنت در بهبود کیفیت آموزش این نوع آموزش‌ها مورد غفلت واقع گردیده‌اند.

از نظر تعداد مناسب واحدهای درسی دوره‌های کارآفرینی، از نظر پاسخگویان مناسب‌ترین تعداد واحدها دو یا سه واحد عنوان شده است (۷۰/۳ درصد).

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب متغیرهای مربوط به آموزش کارآفرینی

متغیر	گویه	فراوانی	درصد معتبر
شرکت در دوره‌های پیشین کارآفرینی	بلی	۴۶	۲۸/۸
	خیر	۱۱۴	۷۸/۳
	جمع	۱۶۰	۱۰۰
تمایل به شرکت داشتن در دوره‌های آتی کارآفرینی	بلی	۱۲۵	۷۸/۱
	خیر	۳۵	۲۱/۹
	جمع	۱۶۰	۱۰۰
نحوه آموزش کارآفرینی	کلاس دانشگاهی	۴۱	۲۵/۶
	آموزش خصوصی	۴۲	۲۶/۲
	فنی حرفه‌ای	۶۰	۳۷/۵
	رسانه‌های جمعی	۱۵	۹/۴
	بدون پاسخ	۲	۱/۳
	جمع	۱۶۰	۱۰۰
نوع آموزش	حضور	۱۱۳	۷۰/۶
	غیرحضور (ایترنت و آنلاین)	۱۲	۷/۵
	از طریق مواد آموزشی (جزوات، نرم‌افزار)	۳۵	۲۱/۹
	جمع	۱۶۰	۱۰۰
تعداد واحد درسی پیشنهادی	یک	۱۰	۶/۲
	دو	۵۶	۳۵
	سه	۵۵	۳۴/۴
	چهار	۳۷	۲۳/۱
	بدون پاسخ	۲	۱/۳
	جمع	۱۶۰	۱۰۰

اولویت‌بندی روش‌های بهبود آموزش کارآفرینی

جدول شماره ۵ میانگین رتبه‌ای مجموع نظرات پاسخ‌دهندگان را در مورد هر یک از روش‌های بهبود آموزش‌های کارآفرینی نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول آمده است بالاترین میزان میانگین مربوط به برگزاری دوره‌های تخصصی کارآفرینی متناسب با رشته تحصیلی است و بعد از آن به ترتیب راهکارهای تاکید بر روش‌های آموزش عملی در دوره‌های کارآفرینی، تناسب محتوای برنامه‌های کارآفرینی با علاقه و نیاز دانشجویان، و برگزاری انواع دوره‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها قرار می‌گیرند.

جدول ۵- اولویت‌بندی روش‌های بهبود آموزش‌های کارآفرینی (بر اساس میانگین رتبه‌ای)

اولویت	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	گویه‌ها
۱	۰/۹۰۵	۴/۲۸	برگزاری دوره‌های تخصصی کارآفرینی متناسب با رشته تحصیلی
۲	۰/۸۷۹	۴/۲۱	تاکید بر روش‌های آموزش عملی در دوره‌های کارآفرینی
۳	۰/۷۷۰	۴/۱۹	تناسب محتوای برنامه‌های کارآفرینی با علاقه و نیاز دانشجویان
۴	۰/۸۲۷	۴/۱۲	برگزاری انواع دوره‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها
۵	۰/۸۶۵	۳/۹۸	تقویت فرهنگ کارآفرینی در بین دانشجویان از طریق برنامه‌های ترغیبی و تشویقی
۶	۱/۰۰۶	۳/۹۸	استفاده از مربیان و اساتید خاص آموزش‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها
۷	۱/۰۳۵	۳/۷۳	برگزاری سمینارها و کارگاه‌های تخصصی در خصوص کارآفرینی در دانشگاه
۸	۱/۱۵۰	۳/۶۴	گنجانیدن واحد درسی کارآفرینی در دروس دانشگاهی
۹	۰/۹۷۱	۳/۵۳	افزایش اطلاعات و دانش دانشجویان نسبت به کارآفرینی
۱۰	۱/۱۴۸	۳۱۳	تلفیق روش‌های نظری و تئوری در آموزش کارآفرینی

طیف لیکرت: ۱= کم، ۲= خیلی کم، ۳= تاحدودی، ۴= زیاد، ۵= خیلی زیاد

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در مجموع دانشجویان مورد مطالعه از روحیه کارآفرینی بالایی برخوردارند. بنابراین از این مساله می‌توان به عنوان زمینه‌ای مساعد برای اجرا و پیشبرد برنامه‌های مربوط به توسعه و آموزش‌های کارآفرینی برای دانشجویان استفاد کرد. همچنین با توجه به این که بر اساس نتایج، اکثریت دانشجویان علاقه‌مند به شرکت در دوره‌ها و کلاس‌های کارآفرینی هستند، بنابراین لازم است نسبت به اجرای برنامه‌های آموزشی برای دانشجویان توسط مسئولین دانشکده و دانشگاه اقدامات لازم با جدیت بیشتری انجام پذیرد.

از طرف دیگر اکثر دانشجویان علاقه‌مند به برگزاری دوره‌های کارآفرینی در مراکز فنی و حرفه‌ای، موسسات آموزش خصوصی و نیز شرکت نمودن در بازدیدهای میدانی هستند. این امر نشان‌دهنده اعتماد کم دانشجویان به دوره‌های آموزش کارآفرینی دانشگاه و از طرف دیگر عدم رضایت نسبت به محتواها و برنامه‌های آموزش کارآفرینی است که در دانشگاه‌ها رایج می‌شوند که این دوره‌ها بیشتر غیرتخصصی و به صورت نظری هستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود مسئولین دانشکده و دانشگاه نسبت به هدایت آموزش‌های تخصصی کارآفرینی برای رشته‌های مختلف کشاورزی و با استفاده از روش‌های عملی و کاربردی اقدام نمایند.

همچنین بررسی‌ها در این پژوهش نشان داد که برگزاری دوره‌های تخصصی کارآفرینی متناسب با رشته تحصیلی دانشجویان، تاکید بر روش‌های آموزش عملی در دوره‌های کارآفرینی متناسب با محتوای برنامه‌های کارآفرینی با علاقه و نیاز دانشجویان، برگزاری انواع دوره‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها، تقویت فرهنگ کارآفرینی در بین دانشجویان از طریق برنامه‌های ترغیبی و تشویقی، از جمله موضوعات اولویت‌دار در روش‌های بهبود آموزش‌های کارآفرینی هستند که برنامه‌ریزان آموزشی می‌بایست بدان توجه نمایند.

اکثر دانشجویان موافق افزودن واحد درسی کارآفرینی بر حسب تخصص و گرایش تحصیلی بوده و تعداد واحدهای مناسب را دو یا سه واحد پیشنهاد کرده‌اند. با توجه به این که در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا هم‌اکنون واحدهای درسی کارآفرینی یا واحدهای مرتبط با آن تدریس می‌شوند، بنابراین لزوم گنجانیدن واحد درسی کارآفرینی به ارزش ۳ واحد برای کلیه گرایش‌های تحصیلی کشاورزی توصیه می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد که بین جنسیت و سن دانشجویان مورد مطالعه و روحیه کارآفرینی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این مساله با نتایج به‌دست آمده توسط یارایی (۱۳۸۳) همخوانی دارد. همچنین طبق نتایج بین مقطع تحصیلی و روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی بوعلی سینا که در این تحقیق مشارکت داشتند رابطه معنی‌داری وجود ندارد. نتایج به‌دست آمده از تحقیق مشابه در دانشگاه تبریز توسط عادل‌ساردویی و همکاران (۱۳۸۸) خلاف این نتیجه را به‌دست آورده است. ولی نتایج به‌دست آمده در این تحقیق در مورد عدم وجود رابطه بین گرایش تحصیلی دانشجویان و روحیه کارآفرینی آن‌ها با نتایج تحقیق مشابه در دانشگاه تبریز همخوانی و مطابقت دارد.

نتایج به‌دست آمده حاکی از ارتباط معنی‌دار بین اشتغال و روحیه کارآفرینی دانشجویان است. یعنی افرادی که به جز تحصیل به کار دیگری اشتغال دارند، دارای روحیه کارآفرینی بالاتری هستند. به احتمال زیاد قرار گرفتن این افراد در محیط کار واقعی و تجارب و مهارت‌هایی که افراد در این گونه محیط‌ها به دست آورده‌اند، در بالا بردن سطح روحیه کارآفرینی آنان موثر بوده است. از نظر پاسخگویان نیاز به موفقیت، امید داشتن به موفقیت، شور و اشتیاق، واقع‌بینی، استقلال‌طلبی، روحیه تعاون و همکاری از جمله خصلت‌های مهم مربوط به روحیه کارآفرینی هر فرد می‌باشد.

پیشنهادها

- مطابق نتایج و اولویت‌بندی‌های صورت پذیرفته در زمینه بهبود آموزش‌های کارآفرینی دانشگاه موارد زیر پیشنهاد می‌شود:
- دوره‌های تخصصی کارآفرینی متناسب با رشته‌ها و گرایش‌های تخصصی دانشجویان در دانشگاه‌ها برگزار گردد.
 - در انتخاب روش‌های آموزشی دوره‌های آموزش کارآفرینی از شیوه‌های عملی استفاده شده و حتی‌الامکان انتخاب محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی مطابق علایق و نیاز دانشجویان باشد.
 - بر اساس اولویت‌های به‌دست آمده توصیه می‌شود جهت تنوع دوره‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها از مربیان یا اساتید با تجربه در زمینه آموزش‌های کارآفرینی استفاده شود.
 - پیشنهاد می‌شود به‌منظور تقویت و توسعه فرهنگ کارآفرینی به‌طور ادواری سمینارهای علمی و کارگاه‌های تخصصی در سطح دانشگاه برگزار گردد.

- به‌منظور ترغیب دانشجویان به موضوع کارآفرینی دستورالعمل‌های تشویقی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی دانشگاه و دستگاه‌های اجرایی تبیین گردد.
- با توجه به اولویت قرار گرفتن موضوع تناسب با محتوای برنامه‌های کارآفرینی با علاقه و نیاز دانشجویان، تشکیل کمیته نیازسنجی علمی به‌منظور تعیین محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی با توجه به علاقه دانشجویان و نیازهای فعلی بخش کشاورزی پیشنهاد می‌شود.
- شایسته است که اعضای هیات علمی دانشگاه با موضوع کارآفرینی آشنایی بیشتری پیدا نموده و نظر ایشان به مفاهیم ایده‌پردازی در تدریس و تقریب فرآیندهای آموزشی و پژوهشی جلب شود.
- طبق نظر دانشجویان به‌منظور حفظ روحیه کارآفرینی، دانشگاه می‌تواند بازدیدهای میدانی را از برخی موسسات و شرکت‌های غیردولتی موفق کارآفرین برای ایشان در طول ترم‌های تحصیلی برگزار نماید.
- راه‌اندازی پایگاه اینترنتی و پورتال کارآفرینی کشاورزی می‌تواند نقش به‌سزایی در زمینه افزایش اطلاعات و به‌روزرسانی دانش کارآفرینی و نیز دسترسی سریع دانشجویان به اطلاعات ایفا نماید.
- پیشنهاد می‌شود واحدهای درسی در زمینه کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی برای دانشجویان رشته‌های کشاورزی در نظر گرفته شود.

منابع و مأخذ

۱. اسکندری، ف.، حسینی، م.، و کلاتری، خ. (۱۳۸۵). عوامل موثر بر عملکرد کارآفرینانه دانش‌آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی ایران. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، جلد ۱۴، شماره ۵۳، صفحات ۱۳۴-۱۰۷.
۲. اکبری، ک. (۱۳۸۷). *توسعه کارآفرینی، رویکرد آموزشی* (چاپ سوم). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳. برومندنسب، م. (۱۳۸۱). *بررسی رابطه ساده و چندگانه وضعیت اجتماعی، اقتصادی، انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری، جایگاه مهار، خلاقیت و عزت‌نفس با کارآفرینی در دانشجویان شهید چمران اهواز*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران، اهواز.
۴. حسینی، م. (۱۳۸۸). زمینه‌ها و موانع توسعه کارآفرینی در ایران. (۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۹)، قابل دسترس در: <http://www.maghaleh.net>
۵. حسینی، م.، فرج‌الله‌حسینی، ج.، و سلیمان‌پور، م. (۱۳۸۸). عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی استان تهران. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، جلد ۵، شماره ۲، صفحات ۱۱۲-۱۰۱.
۶. حیدری‌زاده، م. (۱۳۸۲). وضعیت اشتغال اعضاء سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان در راستای بازنگری برنامه‌ریزی آموزشی. *فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، شماره ۲، سال ۱۳۸۴.

۷. دهقان، ح. (۱۳۸۸). *آشنایی با مبانی و مفاهیم کارآفرینی*. (۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۹). قابل دسترس در: <http://www.management.business.blogfa.com/>
۸. رزاقی، س. (۱۳۸۷). *کارآفرینی چیست*. (۱۲ خرداد ۱۳۸۹). قابل دسترس در: سایت مرکز کارآفرینی دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
۹. زالی، م. و رضوی، م. (۱۳۸۸). *بررسی تحلیلی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها*. (۱۲ اسفند ۱۳۸۸). قابل دسترس در: <http://www.jobportal.ir/>
۱۰. سوری، ح. (۱۳۸۷). *کارآفرینی و اشتغال در نظام آموزش عالی*. (فروردین ۱۳۸۹). قابل دسترس در: <http://karafarini.mui.ac.ir/index.php?option=com/content&task=view&id118&Item/id>
۱۱. شاهرکنی، س. ح. (۱۳۸۴). *ویژگی‌های کارآفرین. ماهنامه علمی آموزشی تدبیر*، سال شانزدهم، شماره ۱۶۰.
۱۲. شریف‌زاده، م. و زمانی، غ. (۱۳۸۵). *روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی*. *مجله علوم کشاورزی ایران*، جلد ۳۷، شماره ۱، صفحات ۱-۱۰.
۱۳. عادل‌ساردویی، م.، ظریفیان، ش.، شریفی، ا.، احسانی، م. و اکرمی، ا. ح. (۱۳۸۸). *آذر*. مقایسه قابلیت‌ها و روحیه کارآفرینی مقاطع مختلف تحصیلی دانشجویان کشاورزی. اولین همایش ملی دانشجویی ترویج و آموزش کشاورزی.
۱۴. گلچین، ز. (۱۳۸۴). *کارآفرینی روستایی و توسعه پایدار. ماهنامه سروش بانوان*، شماره ۶۳، صفحات ۱۲-۱۳.
۱۵. لیث، ن.، چیدری، م.، رضوان‌فر، ا. (۱۳۸۸). *آذر*. *بررسی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی در نظام آموزش‌های علمی- کاربردی کشاورزی از نظر دانشجویان*. اولین همایش ملی دانشجویی ترویج و آموزش کشاورزی، شیراز.
۱۶. مفاخری، ن. (۱۳۸۶). *کارآفرینی چیست*. (۷ خرداد ۱۳۸۹). قابل دسترس در: <http://www.modiriran.ir/modules/article/trackback.php/331>
۱۷. مقدسی، ع. ر. (۱۳۸۶). *پژوهشی در دوره‌های آموزش کارآفرینی*. (۱۵ فروردین ۱۳۸۹). قابل دسترس در: <http://www.afariny.com/>
۱۸. نجفی، ز. و شاه‌مراد، ل. (۱۳۸۸). *آذر*. *نقش ترویج در تقویت روحیه کارآفرینی در بخش کشاورزی*. اولین همایش ملی دانشجویی ترویج و آموزش، شیراز.
۱۹. نوروززاده، ر. و محرابی‌یگانه، م. (۱۳۸۵). *بهار*. *مراکز آموزش عالی علمی- کاربردی کارآفرین با تاکید بر بخش کشاورزی*. *فصلنامه آموزش و سازندگی وزارت جهاد کشاورزی*، شماره ۱.
۲۰. هزارجریبی، ج. (۱۳۸۲). *بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی در عرصه نشریات فرهنگی و اجتماعی شهر تهران*. رساله دکتری رشته علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.

۲۱. یارایی، ع. (۱۳۸۳). بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشگاه شیراز.
۲۲. یداللهی فارسی، ج. (۱۳۸۵). *ارایه الگویی سیستمی از نقش مراکز کارآفرینی در چرخه حیات کارآفرینی میان دانشجویان دانشگاه‌ها*. کنفرانس ملی کارآفرینی، خلاقیت و سازمان‌های آینده. اسفند ماه ۱۳۸۶.
23. Gallowy, L., Anderson, M., Brown, W., & Wilson, L. (2005). Enterprise skills for the economy. *Education & Training*, 47(1), 7- 17.
24. Honing, B. (2004). Entrepreneurship education it towards a model country-based business planning. *Academy of Management Learning and Education*, 3803, 73-258.
25. Howard, S. (2004). *Developing entrepreneurial in youth: The effects of entrepreneurial education and venture creation*. University of South Florida Repot, 3-17.
26. Jones, C., & English, J. (2005). A contemporize approach to entrepreneurship education. *Journal of Education Training*, 46(8/9), 416-423.
27. Karanassios, N., Pazarskis, M., Mitsopoulos, K., & Christodoulou, P. (2006). EU strategies to encourage youth entrepreneurship. *Industry & Higher Education*, 20(1), 43-50.
28. Lee, L., & Wong, P. K. (2005). *Entrepreneurship education: A compendium of issues*. NUS Entrepreneurship Centre National University of Singapore. Working Paper.
29. Movahedi, R. (2009). *Competencies needed by agricultural extension and education undergraduates for employment in the Iranian labor market, Berlin*. Retrieved from <http://dissertation.de/>
30. Postingo, S. (2002). *Entrepreneurship education Argentina: The case of Santander's University*. Proceedings of The internationalizing in entrepreneurship education and training, Malaysia.
31. Ron, M. (2006). *Agents of change and policies of scale: A policy study of entrepreneurship and enterprise in education*. Doctoral dissertation, Department of teacher education and social sciences, Umea University, Sweden.
32. Schein, E. H. (1994). Entrepreneurs: What they're really like. *Vocational Education Journal*, 64, 42-44.
33. Smith, A. B. (2004). *Changing external conditions (require). High levels of entrepreneurship in Agriculture*. In W. Bokelman (2004). Act a Horticulture No. 655. Proceedings of the 15th International Symposium on Horticultural Economics and Management, Berlin, Germany.
34. Solomon, G. T., Duffy, S., & Tarabishy, A. (2002). The state of entrepreneurship education in the United States: A nationwide survey and analysis. *International Journal of Entrepreneurship Education*, 1(1), 1-22.
35. Thurik, A. R., Carree, M. A., Van-Ste, A. I., & Audretsch, D. B. (2008). Does self-employment reduce unemployment. *Journal of Business Venturing*, 23(6), 673-686.

